

دو فصلنامه تفسیر پژوهی  
سال نهم، شماره پانزدهم  
بهار و تابستان ۱۴۰۰  
صفحات ۲۱۶-۱۹۱

## باز کاوی دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت پیرامون مصداق‌یابی «من دون الله» در آیه ۱۹۴ سوره اعراف\*

ریحانه مجتبابی رنایی\*\*

نقیسه فقیهی مقدس\*\*\*

### چکیده

یکی از آیات چالش برانگیز قرآن کریم، آیه ۱۹۴ سوره اعراف است؛ مسلمانان در این آیه به ظاهر از خواندن و دعاء غیر از خدا، به طور مطلق نهی شده‌اند؛ این برداشت ظاهری از آیه تا جایی پیش می‌رود که وهابیت هرگونه درخواست از غیر خدا، اعم از استعانت، استغاثه و توسل را نامشروع جلوه داده و حکم به تکفیر و شرک و اباحه جان و مال مسلمین نموده‌اند. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوا، دیدگاه مفسرین کلامی اهل سنت در «مصداق‌یابی من دون الله» را بررسی نموده و در پی یافتن مراد اصلی خداوند از این آیه می‌باشد. بدین منظور بیانات مفسرین اهل سنت در سه مقوله معناشناسی دعاء، مصادیق من دون الله و وجه مثلثیت من دون الله به عباد، جمع‌آوری و مضامین استخراج شده با روش کدگذاری باز دسته‌بندی شد. پس از تحلیل داده‌ها این سه مقوله در ۷ مضمون اصلی، طبقه‌بندی گردید. در نهایت مشخص شد بر خلاف ادعاهای مطرح شده، درخواست و استعانت از غیر به طور مطلق، تنها اگر با اعتقاد به الوهیت و ربوبیت مدعو همراه باشد، شرک است و هیچ اختلاف عقیده‌ای در بین مسلمانان در آن نیست.

کلیدواژه‌ها: استعانت، مشروعیت، مفسران کلامی، تحلیل محتوای کیفی

\*- تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

reihanehmojtabaei91@gmail.com

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تفسیر ائری دانشگاه اصفهان

n.faghihi@ahl.ui.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه معارف قرآن و اهل‌ال‌بیت (ع)، دانشکده الهیات و معارف اهل‌ال‌بیت (ع)، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

## مقدمه

قرآن کریم به مثابه منبع و حیانی دین خاتم، کلیات مورد نیاز بشر را در همه عرصه‌ها تبیین نموده است. یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها که بخش عمده‌ای از آیات را به خود اختصاص داده، موضوع عقاید اسلامی و به ویژه مباحث توحیدی است که از آن به عنوان محور دعوت انبیای الهی و رکن و اساس عبودیت یاد می‌شود (نحل ۳۶). از جمله آیات توحیدی آیه ۱۹۴ سوره مبارکه اعراف است که در آن بر عبودیت انحصاری الهی و نفی دیگر انواع عبادت تصریح شده است. پروردگار متعال در این آیه می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنَّكُمْ صَادِقِينَ (اعراف-۱۹۴)  
 بی‌گمان کسانی که شما به جای خداوند (به پرستش) می‌خوانید بندگان‌اند چون خود شما؛ بخوانیدشان! پس اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (گرمارودی، ۱۳۸۴: ۱۷۵/۱)

اختلاف مبانی اعتقادی در این حوزه افزون بر تفاوت‌های فکری، در حوزه رفتار جامعه اسلامی نیز تأثیرگذار است؛ چه این که باور به انحصاری بودن هرگونه درخواست در امور زندگی اعم از توسل، استعانت و استغاثه، این مؤلفه‌های رفتاری را از عملکرد مشروع مسلمین خارج نموده و در دامنه منهیات شارع قرار می‌دهد که البته افزون بر این نهی، هرگونه درخواست غیر الهی را مجوز تکفیر و اباحه جان و مال می‌داند. در مقابل، تحلیل مفهومی «درخواست از غیر» به «درخواست استقلالی» و یا «درخواست همراه با اعتقاد به الوهیت»، مشروعیت ارتباط و درخواست از بندگان الهی را منتج شده و حوزه نهی شارع را محدود می‌داند؛ به عبارت دیگر بنا بر این تحلیل، تنها درخواست‌هایی در حوزه رفتارهای مردود و نامشروع قرار می‌گیرد که از باور به «استقلال مدعو» و یا از «اعتقاد به الوهیت مدعو» ناشی شود؛ نه این که شمول آن، منجر به تسری حکم در همه موارد استغاثه و توسل گردد.

بازکاوی دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت پیرامون مصداق‌یابی «من دون الله» ... ۱۹۳

اهمیت موضوع افزون بر لزوم تدبر و فهم عمیق آیات الهی، به شبهات روزافزون وهابیت در عرصه استمداد از اولیای الهی و مشروعیت توسل و استعانت از غیر معطوف است؛ چه این که این آیه از جمله آیات کلیدی در رد اعتقادات شیعی و عموم مسلمین در جواز دعای غیر در قالب توسل و استعانت، تبرک، استغاثه و... است. انتخاب تفاسیر اهل سنت از این جهت است که قائلین به عدم جواز دعای غیر، خود را به جامعه اهل سنت منتسب می‌کنند و باور خویش را به عنوان باور اهل سنت و جماعت می‌دانند؛ از این رو تحلیل نظرگاه مفسران می‌تواند راه برون رفت علمی این ادعا را هموار سازد. همچنین علت‌گزینش‌گرایی کلامی مفسران و تتبع در دیگر آثار کلامی از این جهت است که کار ویژه این‌گرایش، طرح تحلیلی و استدلالی مباحث اعتقادی به ویژه موضوعات مرتبط با توحید است؛ تا آن جا که برخی از اندیشمندان اهل سنت موضوع علم کلام را شناخت خداوند و اوصاف او دانسته و این دانش را به اعتبار موضوعش، علم اکبر نام نهاده‌اند (بخاری، ۱۴۱۸: ۱۷/۱) و برخی نیز قصد متکلم را شناخت دلیل برای وحدانیت خداوند و صفات او دانسته‌اند (غزالی، ۱۴۰۵: ۹۵/۱).

در حوزه‌ی مقالات علمی توجه نسبتاً ویژه‌ای به بررسی شبهات و عقاید وهابیت شده است؛ ابراهیم‌پور در مقاله «بررسی دیدگاه وهابیت نسبت به آیه «ان الذین تدعون من دون الله عباد امثالکم»» با تأکید بر ادله قرآنی و عقلی به نقد افکار انحرافی جریان وهابیت پرداخته است. (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۵: ۹۹) هم‌چنین در مقاله «بررسی و نقد استدلال وهابیت به آیه ۷۳ سوره حج در نفی توسل» نویسنده، موضع علمای وهابی راجع به این آیه و استدلال ایشان در نسبت دادن شرک به مسلمانان را تبیین نموده است و سپس ادله آن‌ها بررسی و پاسخ داده می‌شود (کمالی، ۱۳۹۵: ۳۱). در مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقد دیدگاه وهابیت پیرامون مسئله توسل از سوی اهل سنت بر پایه حدیث استسقاء» به مقایسه توسل از دیدگاه وهابیت و اهل سنت بر پایه حدیث «استسقاء» پرداخته شده و یکی از ادله

وهابیت در ممنوعیت توسل به اموات نقد گردیده است (سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). هم چنین در پژوهشی با موضوع «بررسی دیدگاه وهابیان درباره توسل سلف به پیامبر پس از حیات» نویسنده با بررسی منابع روایی اهل سنت بیان می‌کند در رفتار و گفتار سلف هیچ تغییر و تفاوتی در نحوه توسل به پیامبر در زمان حیات و پس از حیات ایشان دیده نمی‌شود و قائل شدن به این تفاوت گذاری، امری جدید و از بدعت‌های وهابیان است و سابقه‌ای در میان سلف ندارد (عبدالملکی، ۱۳۹۲: ۱۳۰).

علی‌رغم توجه اندیشمندان اسلامی به موضوع توسل و استعانت از اولیاء الهی، بهره این آثار از روش‌های کیفی تحلیل محتوا که امکان تعمیق داده‌ها و ارزیابی محتوایی را در حوزه متن کاوی بهتر فراهم می‌آورد، اندک بوده و یا مغفول مانده است. گستره تتبع و توجه جامع به دیدگاه علمای اهل سنت، از دیگر امتیازات پژوهش حاضر است. افزون بر این که آیه مورد نظر کمتر مورد توجه وهابی پژوهان قرار گرفته است.

این نوشتار با هدف ارزیابی و تحلیل دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت ضمن تمرکز بر تفاسیر کلامی، از دیگر منابع کلامی که تحلیل اعتقادی خود را بر اساس آیه مورد نظر تبیین نموده‌اند غفلت نورزیده و با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا، به استخراج علمی نظرگاه قائلین به جواز و مخالفان مشروعیت توسل دست یازیده است.

## بحث

### ۱. تحلیل و ارزیابی دیدگاه مفسران

پروردگار متعال در سوره اعراف آیه ۱۹۴ می‌فرماید:

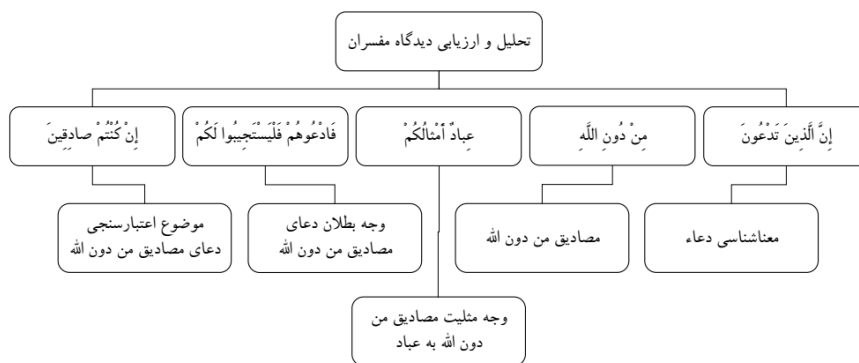
إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (اعراف-۱۹۴)

بی‌گمان کسانی که شما به جای خداوند (به پرستش) می‌خوانید بندگان چون خود

شمایند؛ بخوانیدشان! پس اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (گرمارودی، ۱۳۸۴ش:

بازکاوی دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت پیرامون مصداق‌یابی «من دون الله» ... ۱۹۵

مفسران در تبیین این آیه، دیدگاه‌های خود را در پنج محور بیان نموده‌اند. نخست به بررسی مفهوم واژه «دعاء» ذیل عبارت «ان الذین تدعون» پرداخته‌اند. در ادامه مصداق «من دون الله» را بیان و سپس به تبیین عبارت «عباد امثالکم» مبادرت نموده‌اند. فراز بعدی مورد بررسی عبارت «فادعوهم فالیستجیبوا لکم» می‌باشد و در پایان نیز عبارت «ان کنتم صادقین» به شرح شکل ۱ بررسی شده است:



شکل ۱. تحلیل دیدگاه مفسران کلامی ذیل آیه ۱۹۴ سوره اعراف

در آیه ۱۹۴ سوره اعراف، محور اصلی نهی بر پرهیز از «دعای من دون الله» است؛ با این توضیح که ارائه قاعده توحیدی در آیه شریفه، بر مبنای توجه و تمرکز انحصاری به «الله» و اجتناب از «غیر الله» استوار است. این قرائت از آیه شریفه، مشروعیت درخواست از غیر را باطل و به تبع آن، آموزه‌هایی چون توسل و استغاثه را طرد می‌کند. برای فهم مراد الهی، لازم است ارکان محوری مرتبط با «من دون الله»، بازکاوی شود؛ هرچند گستره دیدگاه مفسران و محدودیت‌های نوشتاری، مجال پردازش دیگر ارکان را به فرصتی دیگر وانهاده است. از مجموع فرازهای آیه شریفه، سه محور زیر به عنوان محورهای اصلی در مصداق‌یابی «من دون الله» مورد نظر است و تحلیل و کدگذاری دیدگاه مفسران اهل سنت ذیل سه محور اول از این آیه به بیان ذیل ارائه می‌گردد:

## ۱-۱. محور نخست: معناشناسی دعاء

محور آیه شریفه «نهی از دعا» است و پروردگار از دعای غیر، مذمت می‌نماید؛ بر این اساس نخست وجوه معنایی دعاء با تبیین لغت‌شناسان و سپس تحلیل مفسران به تفکیک بیان می‌شود:

### ▪ مفهوم دعاء از منظر لغویون

لغت‌شناسان اصل معنای دعا را درخواست و طلب دانسته‌اند (ابوهلال العسکری، بی‌تا: ۳۰ و رک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۷/۱۴) همان‌طور که پروردگار متعال در آیه ۶۸ سوره بقره می‌فرماید: *قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ* یعنی از پروردگارت بخواه و درخواست کن (راغب، ۱۴۱۲: ۳۱۵). ابن منظور به نقل از ابو اسحاق در تفسیر آیه *أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانَ* (بقره-۱۸۶) می‌نویسد دعا و خواندن خدای تعالی سه گونه است: اول، دعا در توحید و ثناء برای او مثل اینکه می‌گویی «یا لا اله الا انت» و همین‌طور «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» که با گفتن این عبارات خدا را با ربنا دعوت کرده‌ای. آنگاه توحید و ثنائش را می‌آوری مثل آیه *وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي (غافر-۶۰)* که عبادت نوعی دعاست و در این آیه «ادْعُونِي» را عبادت تفسیر نموده‌اند. دوم، در خواست بخشش و رحمت از خداوند و آنچه مایه نزدیکی به اوست. مثل اینکه می‌گویی «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا» سوم، درخواست بهره‌مند شدن از دنیا چنانکه می‌گویی «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَالًا وَوَلَدًا» بنابراین هر سه یعنی: دعا برای توحید و ثناء، درخواست بخشش و رحمت معنوی، درخواست بهره‌مادی و نیوی، دعا نامیده می‌شود زیرا انسان در هر سه مورد با گفتن یا الله، یا رب، یا رحمن سخن خود را آغاز می‌کند و از این روی آن را دعا گویند.

در میان کتب لغت، برای واژه دعاء معانی زیر آمده است:

- از جمله کاربردهای معنایی دعا، عبادت است؛ ابن منظور این وجه را با استناد به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیان داشته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۷/۱۴).

بازکاوی دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت پیرامون مصداق‌یابی «من دون الله» ... ۱۹۷

- میل و رغبت داشتن به سوی چیزی یا کسی، به عنوان معنای دیگر دعا ذکر شده و دعای خداوند، رغبت و انگیزه به سوی پروردگار است؛ در این معنا ابتهال و زاری همراه با درخواست به سوی خداوند و متمایل شدن به خیری که نزد اوست نیز مورد توجه لغویون قرار گرفته است (فیومی، بی‌تا: ۱۹۴/۲ و فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۳۵۸/۴ و الصعیدی، ۱۴۱۰: ۲۴۷/۱).

- برخی یک وجه معنایی دعاء را به لحاظ اشتراک معنایی با واژه «نداء» به معنای بانگ زدن و خواندن دانسته و فروق معنایی آن را چنین بیان داشته‌اند: در نداء، اسم شخص به کار نمی‌رود ولی دعا بانگ زدن و خواندن است که همواره با اسم فرد همراه است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۱۵ و فیومی، بی‌تا: ۱۹۴/۲) و یا به این تفاوت اشاره داشته‌اند که در نداء مطلق بانگ زدن مورد نظر است که مقدم بر دعاء می‌باشد. همان‌گونه که قصد و اراده نیز بر نداء مقدم است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۳۶/۳). تفاوت سوم به لحاظ نحوه صداکردن است، با این توضیح که نداء بالابردن صدا به هرآن چه معنایی دارد اما دعاء بلند کردن صدا یا آهسته و نهان گفتن آن است. مثلاً او را از دور خواندم یا خداوند را در درون خود خواندم در حالی که نمی‌گوییم او را از درون خود ندا دادم (العسکری، بی‌تا: ۳۰).

- گاهی دعا کاربرد تسمیه - نامیدن - نیز دارد. مانند دعوت الولد زیدا و بزید: او را زید نام نهاد (فیومی، بی‌تا: ۱۹۴/۲). همان‌گونه که خداوند در آیه ۶۳ سوره نور می‌فرماید: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» مخاطب در این آیه کسی است که پیامبر را به «یا محمد» می‌خواند (راغب، ۱۴۱۲: ۳۱۵).

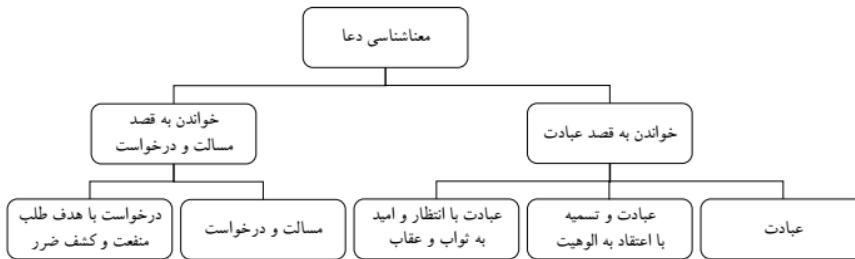
- التحقیق گوهر معنایی دعاء را مطلق مفهوم درخواست میل و توجه دانسته و مفاهیم دیگری چون استغاثه، استحضار، ابتهال، رغبه و امثال این‌ها را از لوازم دعا می‌داند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۳۶/۳).

از مجموع آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می‌شود که معنای اصلی واژه دعاء از ماده (دعو) به معنای خواندن، متمایل شدن و طلب کردن است. عبادت کردن نیز در زمره معانی

دعاء مطرح شده که در صورت پذیرش تعدد معنایی، توجه به قرائن مهم در اصول تفسیر در جهت تعیین مراد الهی در آیه ضروری است.

▪ مفهوم دعا از دیدگاه مفسرین کلامی

طبق بررسی‌های انجام شده، مفسرین اهل سنت معنای «دعاء» را در دو دسته کلی بیان نموده‌اند (جدول ۱ پیوست). دسته اول مفهوم کلی «خواندن به قصد عبادت» را پذیرفته و دسته دوم مفهوم کلی «خواندن به قصد مسألت و درخواست» را بیان کرده‌اند. البته قیودی نیز بر این مفاهیم کلی اضافه شده است که به تفصیل بیان می‌گردد:



شکل ۲. معنا شناسی دعا

الف) دعاء در معنای خواندن به قصد عبادت

گروهی از مفسرین معنای «خواندن به قصد عبادت» را برای دعاء پذیرفته‌اند. البته قیودی برای آن مطرح شده است که بر اساس آن می‌توان معنای عبادت را در سه گونه مجزا تفکیک نمود:

- دسته نخست مربوط به اندیشمندانی است که در بیان مراد الهی از آیه شریفه، معنای دعاء را «مطلق عبادت» ذکر کرده‌اند؛ چنانچه جزایری در کتاب خود می‌نویسد: تدعون بمعنى تعبدون لأنّ الدعاء هو العبادة (جزایری، ۱۴۱۶: ۲/۲۷۶). هم چنین در اتحاف اهل الالباب این گونه آمده است: فسمى الله تعالى دعاءهم لهم عبادة (وليد بن راشد، بی تا: ۱/۲۵). برخی ایده تفسیری خود در معنای دعا را به روایاتی چون: «إنّ الدعاء هو العبادة» و «الدعاء مخّ العبادة»



بازکاوی دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت پیرامون مصداق‌یابی «من دون الله» ... ۱۹۹

مستند ساخته و با اعتباریابی حدیث در زمره احادیث صحاح و یا حسان به تقویت نظرگاه تفسیری خویش دست یازیده‌اند (الفقیه، ۱۴۲۲: ۳۴۳). سایر مفسرین نیز با عباراتی نزدیک به عبارات بیان شده، مطلق عبادت را برای واژه دعاء بیان نموده‌اند (ابن جزری، ۱۴۱۶: ۳۱۶/۱ و العروسی، ۱۴۱۰: ۱۵/۱ و الصلابی، بی‌تا: ۳۶/۳).

- دسته دوم معنای «دعاء» را «عبادت و تسمیه با اعتقاد به الوهیت» دانسته‌اند. آلوسی در روح المعانی معنای دعاء را این گونه بیان می‌کند: و الدعاء إما بمعنى العبادة تسمية لها بجزئها أو بمعنى التسمية كدعوته زيدا... أي إن الذين تعبدونهم من دون الله أو تسمونهم آلهة من دونه سبحانه (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۳۴/۵). بنابر این عبارت، دعاء یا به معنای عبادت است که در این صورت تسمیه به جزء صورت گرفته و یا به معنای تسمیه و نامیدن با اعتقاد به الوهیت است که در این معنا نیز مفهوم عبادت و پرستش، نهفته می‌باشد. سایر تفاسیر نیز با عبارتی قریب به این مضمون «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ... أَيِ الَّذِينَ تَعْبُدُونَهُمْ مِنْ دُونِ تَعَالَى مِنَ الْأَصْنَامِ وَ تَسْمُونَهُمْ آلِهَةً» دیدگاه خود را بیان نموده‌اند (ابوالسعود، بی‌تا: ۳۰۶/۳ و مظهری، ۱۴۱۲: ۴۴۴/۳ و ابوحنیان، ۱۴۲۰: ۲۴۸/۵ و بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴۶/۳ و نسفی، ۱۴۱۶: ۱۳۱/۲ و زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۸۹/۲).

- و دیدگاه سوم که دعاء را نوعی عبادت تکلیفی دانسته و بیان می‌کند دعاء، عبادتی است با انتظار و امید به ثواب و عقاب. این معنا که تنها در تفسیر معالم التنزیل فی تفسیر القرآن مطرح شده به ابن عباس منتسب می‌باشد: قال ابن عباس، فاعبدوهم هل یثیبونکم أو یجازونکم (بغوی، ۱۴۲۰: ۲۵۹/۲).

(ب) دعاء در معنای خواندن به قصد مسألت و درخواست

مفهوم کلی دیگری که در بیان معنای «دعاء» به آن اشاره شده «خواندن به قصد مسألت و درخواست» است. در این بخش نیز دو دسته دیدگاه وجود دارد.

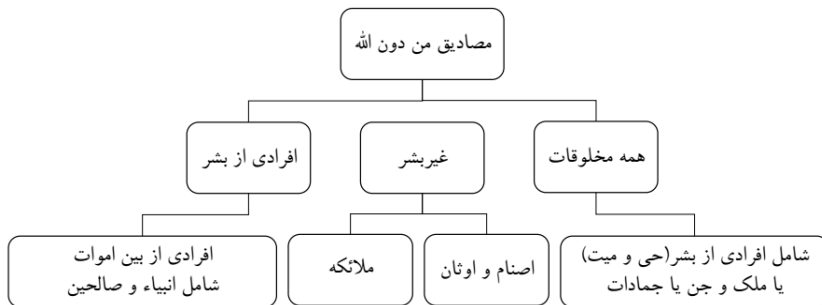
- دسته نخست، مطلق مسألت و درخواست را در معنای «دعاء» آورده‌اند. إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ... الْأَغْلَبُ فِيهِ دَعَاءُ الْمَسْأَلَةِ لِأَنَّهُ يَرِدُ بِهِ الدَّعَاءُ وَالطَّلِبُ وَالسُّؤَالُ (الرضوانی، ۱۴۲۶: ۳۴/۳ و ولید بن راشد، بی تا: ۲۵/۱).

- دسته دوم درخواست و طلب را همراه با هدف دفع ضرر و جلب منفعت بیان نموده‌اند. هذا الدعاء طلب المنافع وكشف المضار من جهتهم (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۳۲/۱۵ و نسفی، ۱۴۱۶: ۱۳۱/۲ و آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۳۴/۵ و ابوالسعود، بی تا: ۳۰۶/۳)

### ۱-۲. محور دوم: تحلیل محتوای مصداق من دون الله

دومین محور مورد بررسی در این آیه عبارت «من دون الله» می‌باشد که مفسرین ذیل این عبارت به بیان دیدگاه‌های خود در مورد مصداق من دون الله پرداخته‌اند. به عبارتی مصداقی که طبق این آیه مورد دعاء یا استغاثه قرار گرفته‌اند بیان می‌شود. با بررسی انجام شده، این دیدگاه‌ها در سه بخش کلی دسته‌بندی می‌شوند (جدول ۲ پیوست).

گروهی بر این اعتقاد هستند که این مصداق شامل همه مخلوقات -ما سوی الله- می‌شود از انسان و غیر انسان مثل ملک و جن یا جمادات و نهایتاً هرآنچه غیر از خداوند مورد عبادت قرار می‌گیرد. گروه دوم افرادی از غیر بشر را مصداق این عبارت می‌دانند. از جمله اصنام و اوئان و ملائکه. و نهایتاً گروه سوم که تنها افراد بشر را مصداق من دون الله بیان می‌کنند. این گروه بر این اعتقاد هستند که آیه در مقام مذمت مشرکینی است که اموات و اهل قبور از جمله انبیاء و صالحین را مورد عبادت و یا مورد استعانت و استغاثه قرار می‌دهند.



شکل ۳. مصداق من دون الله

تحلیل ذکر شده به تفکیک زیر ارائه می‌گردد:

#### الف) همه مخلوقات مصداق من دون الله

دیدگاه اول ذیل مصادیق «من دون الله» این است که این عبارت همه مخلوقات و هر آنچه غیر از خداوند عبادت می‌شود را در بر می‌گیرد (الرضوانی، ۱۴۲۶: ۳/۳۴). در کتاب المفصل فی فقه الدعوة إلى الله تعالى آمده است: فالدعوة إما أن تكون له وحده... وإما أن تكون دعوات لغيره أيًا كان من المخلوقات: ملك، أو جن، أو نجم، أو جماد، أو حيوان، أو إنسان، أو شهوة، أو أوهام، فتلك هي دعوات الباطل والضلال (الشحود، بی تا: ۵۳/۲). نویسنده بیان می‌کند که دعاء یا برای خداوند است یا برای غیر خداوند که در این صورت همه مخلوقات از ملک و جن و ستارگان و یا حتی شهوات و افکار و اوهام را در بر می‌گیرد و این نوع از دعاء، باطل و مایه گمراهی است. هم چنین نویسنده کتاب رکائز الایمان می‌نویسد: أن هذا الوصف يدخل فيه كل من يعبد و كل ما يعبد من دون الله، سواء أكانوا أشخاصاً من البشر أحياء أو أمواتاً، أو كانوا من الجن أو الملائكة، أو كانوا شجراً أو حجراً أو شمساً أو نجماً أو كوكباً من الكواكب. كلهم مخلوقات من مخلوقات الله (قطب، ۱۴۲۲: ۶۹) هر آنچه غیر از خدا از انسان و غیر انسان مورد عبادت قرار می‌گیرد در این وصف داخل می‌شود. تفاوتی ندارد که فردی از بشر زنده یا مرده باشد و یا جن و ملک باشد و یا درخت و سنگ و خورشید و ستاره‌ها و کواکب.

#### ب) غیر بشر، مصادیق من دون الله

دیدگاه دوم مصادیق من دون الله را افرادی غیر از بشر می‌داند. قائلین این گفتار در بیان افراد غیر بشر نظرات متفاوتی ارائه نموده‌اند که در دو دسته تفکیک و ارائه می‌شود:

- دسته اول بت‌ها و به تعبیر مفسران اصنام و یا اوثان را مصداق من دون الله می‌دانند. بغوی در معالم التنزیل می‌نویسند: إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، یعنی الأصنام (بغوی، ۱۴۲۰: ۲۵۹/۲). همچنین ابوالسعود در کتاب ارشاد العقل السليم الی مزایا القرآن الکریم این مصداق را این گونه بیان می‌کند: إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ... أَىٰ إِنْ الَّذِينَ تَعْبُدُونَهُمْ مِنْ دُونِ تَعَالَى

من الأصنام (ابوالسعود، بی تا: ۳/۳۰۶). سایر کتب نیز با عباراتی مشابه دیدگاه خود را مطرح نموده‌اند (ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱/۳۱۶ و آلوسی، ۱۴۱۵، ۵/۱۳۴ و ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵/۲۴۸ و فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۵/۴۳).

جزایری در ایسرتفاسیر لکلام العلی الکبیر، اوثن را مصداق من دون الله برشمرده و می‌گوید: وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ أَيْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الْأَوْثَانِ (جزایری، ۱۴۱۶: ۲/۲۷۶). همچنین هواری دیدگاه خود را این گونه مطرح می‌کند: إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَقُولُهُ لِلْمُشْرِكِينَ، يَعْنِي أَوْثَانَهُمْ (هواری، ۱۴۲۶: ۲/۶۷).

لازم به ذکر است هر چند «صنم» و «وثن» هر دو به مجسمه یا بتی تعبیر می‌شود که مشرکان برای عبادت و پرستش می‌تراشیدند، ولی در لغت تفاوت‌هایی برای این دو بیان شده است؛ از جمله این که صنم، مجسمه‌ای است که از جواهرات معدنی ذوب شده گرفته می‌شود ولی وثن، مجسمه‌ای است که از سنگ و چوب ساخته می‌شود (فیومی، بی تا: ۲/۳۴۹) ابن منظور بتی که دارای جسم و صورت باشد، صنم و اگر فاقد این دو باشد را وثن معرفی نموده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۳۴۹) و مصطفوی تفاوت این دو را در عظمت یا حقارت آنها برمی‌شمرد؛ با این بیان که صنم بر بتی که دارای عظمت در ظاهر یا عنوان باشد اطلاق می‌شود اما وثن بر بتی که صغیر و حقیر است اطلاق می‌گردد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶/۳۴۷).

- دسته دوم ملائکه را به عنوان مصداق من دون الله مطرح می‌کنند. عبارت مشترکی که در همه این تفاسیر مشاهده می‌شود: المراد طائفة من العرب من خزاعة كانت تعبد الملائكة فأعلمهم تعالی أنهم عباد أمثالهم لا آلهة انتهی (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵/۲۴۸ و بغوی، ۱۴۲۰: ۲/۲۵۹ و مظهری، ۱۴۱۲: ۳/۴۴۴). مراد طائفه‌ای از عرب خزاعه است که ملائکه را عبادت می‌کردند؛ پروردگار به آنان بیان داشت که ملائکه، الهه و معبود نیستند بلکه تنها بندگان هم چون خود شما هستند.

### ج) افرادی از بشر مصداق من دون الله

طبق دیدگاه سوم آیه در مذمت کسانی است که افرادی از بشر را که در قید حیات نیستند مورد استعانت و استغاثه قرار می‌دهند. بنابر دیدگاهی که ابن تیمیه از آن به عنوان نظریه قاطع در فهم مراد الهی یاد کرده، مراد از من دون الله، قبورین، یعنی امواتی هستند که با استعانت و نذر و دعا و... به عنوان شفیع خوانده می‌شوند و از آنان برای تقرب و نزدیکی به خداوند مدد گرفته می‌شود؛ هم چنان که مشرکین توسل به بت‌ها را مایه تقرب خویش می‌دانستند (الخصیر، بی‌تا: ۱۱۵).

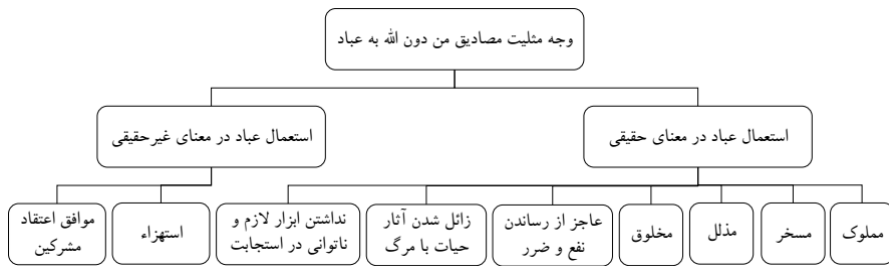
بنابراین دیدگاه مصادیق من دون الله، افرادی از بین اموات شامل انبیاء و اولیاء و صالحین هستند و مراد الهی از نهی دعای غیر، پرهیز از استعانت از اموات در نجات از مشکلات و یا طلب شفاعت در بارگاه الهی است (ابن اسماعیل، بی‌تا: ۲۶) این دسته از اندیشمندان اهل سنت استعانت و درخواست از اموات را به دلیل برخورداری از مقام الوهیت در این درخواست، شرک اکبر می‌دانند (العلوان، ۱۴۱۳: ۶ و الفقیه، ۱۴۲۲: ۲۶۶ و ۳۴۳ و الزهرانی، بی‌تا: ۲۰ و الصنعانی، ۱۴۲۴: ۱۱ و ابن عبدالوهاب، ۱۴۲۳: ۳۵۳ و الصنعانی، ۱۴۲۴: ۶۳ و الخصیر، بی‌تا: ۱۱۵). بنا به تعبیر کتاب اسماء الله الحسنى، دعای غیر از مردگان، مستلزم ربوبیت و اثبات صفات الهی چون علم، سمع، بصر غنی و دیگر اوصافی است که خداوند از اموات نفی کرده نموده است (الرضوانی، ۱۴۲۶: ۳۴/۳). بنابراین دیدگاه، خواندن اموات و مسألت از آنان، مستلزم باور به صفات ربوبیت و الوهیت در مورد آنان است.

### ۱-۳. محور سوم: عباد امثالکم

سومین فراز در آیه شریفه، «عباد امثالکم» است. در این فراز که به منزله استدلالی در بطلان دعای غیر الله است، مسئله اساسی این است که چنان چه بنابر نظر اکثر مفسران، افراد غیر بشر چون اصنام و اوئان مصداق من دون الله باشند، وجه مثلثیت این مصادیق به عباد و به

عبارتی دیگر وجه توصیف جماد به وصف عباد چیست؟ و طبق دیدگاه دیگر که این مصادیق را قبورین و اموات از اولیاء و صالحین می‌دانند بیان عبارت «عباد امثالکم» از چه جهت است؟

گروهی بر این اعتقاد هستند که این مثلث، حقیقی است و عباد در این عبارت در معنای واقعی و حقیقی خود استعمال شده است و سپس شاخصه‌ها و دلایل خود را برای این استعمال بیان می‌نمایند. اما دیدگاه گروه دوم بر این است که مراد جدی از عباد در این آیه، مفهومی غیر از معنای استعمالی آن است. گویا نوعی تمثیل و تشبیه در عبارت «عباد امثالکم» وجود دارد. (شکل ۴- جدول ۳ پیوست) تحلیل دیدگاه مفسرین محور مباحث پیش رو است.



شکل ۴. وجه مثلث مصادیق من دون الله به عباد

#### الف) استعمال عباد در معنای حقیقی

بنابر دیدگاه برخی مفسران، عباد در معنای حقیقی خود به کار رفته است. برخی این معنا را به اعتبار تطبیق مصداق من دون الله بر افراد بشر دانسته و کاربرد عباد را کاملاً منطبق بر معنای یاد شده می‌دانند و مفسران متعددی نیز، با لحاظ مصداق جماد بر من دون الله، تعبیر عباد را استعمالی حقیقی و تطبیق آن بر اوئان و اصنام را، بنابر مثلث و همانندی آنان در اوصاف مشترکی با انسان می‌دانند. مستند این رأی، بر پایه نظام مالک و مملوکی هستی شکل گرفته است؛ همه مخلوقات اعم از صاحبان عقل و شعور و یا حیوان و جماد، از آن

بازکاوی دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت پیرامون مصداق یابی «من دون الله» ... ۲۰۵

جهت که تحت تسلط و فرامین الهی هستند، در مؤلفه‌هایی چون مملوک الهی بودن با هم تشابه دارند و از آنان با تعبیر عبد یاد می‌شود.

از نظرگاه تفسیرگران، شاخصه‌های مختلفی برای این عبودیت به تفکیک زیر بیان شده است:  
- مملوک: یکی از ویژگی‌های طرح شده در برخی تفاسیر مملوک بودن عباد است.  
آلوسی مثلیت بت‌ها با عباد را از حیث مملوک بودن مورد توجه قرار داده (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۳۴/۵) و برخی تفاسیر مالکیت الهی بر همه مخلوقات را وجه اشتراک انسان و جماد برشمرده‌اند. گروهی دیگر از مفسران نیز با عباراتی نزدیک به تعبیر زیر، شاخصه مماثلت را در مملوکیت دانسته‌اند (نسفی، ۱۴۱۶: ۱۳۱/۲ و ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۴۸/۵ و بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴۶/۳ و نسفی، ۱۴۱۶: ۱۳۱/۲ و بغوی، ۱۴۲۰: ۲۵۹/۲ و مظهري، ۱۴۱۲: ۴۴۴/۳ و زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۸۹/۲): عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ أَى مِمَّا نَلَهُ لَكُم لَكِن لَّا مَن كَل وَجِه بَل مَن حَيْثُ إِنَّهَا مَمْلُوكَةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (ابوالسعود، بی تا: ۳۰۶/۳).

- مسخر: ویژگی دومی که در معنای عبد بودن جمادات مطرح شده، مسخر بودن عباد است. به عبارتی این جماد از جهت این که چونان دیگر مخلوقات ذی شعور، در تسخیر الهی و مسخر امر پروردگار هستند به وجه عباد توصیف شده‌اند: أَمْثَالِكُمْ فِى التَّسْخِيرِ أَى أَنَّهُمْ مَسْخَرُونَ (بغوی، ۱۴۲۰: ۲۵۹/۲) بیان‌های دیگر از این وجه در تفاسیر متعددی مطرح شده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۳۴/۵ و بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴۶/۳ و ابوالسعود، بی تا: ۳۰۶/۳ و مظهري، ۱۴۱۲: ۴۴۴/۳).

- مذلل: یکی دیگر از خصوصیاتى که برای عباد در کتب تفسیری بیان شده است، مذلل به معنای رام و مطیع می‌باشد. این شاخصه با دو تعبیر در برخی از تفاسیر مشهود است: أَمْثَالِكُمْ أَى أَنَّهُمْ مَذَلَّلُونَ لِمَا أُرِيدُ مِنْهُمْ (بغوی، ۱۴۲۰: ۲۵۹/۲) و عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ أَى...مَذَلَّةٌ (مظهري، ۱۴۱۲: ۴۴۴/۳).

- مخلوق: برخی تفاسیر مخلوق بودن را نیز از ویژگی‌های عباد و وجه تشابه بین انسان و سایر موجودات دانسته‌اند. به طور مثال در کتاب مدارک التنزیل و حقایق التناویل

آمده است: عِبَادُ أُمَّتِكُمْ أَي مَخْلُوقُونَ (نسفی، ۱۴۱۶: ۱۳۱/۲). هم چنین در سایر تفاسیر (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۴۸/۵ و جزایری، ۱۴۱۶: ۲۷۶/۲ و مظهری، ۱۴۱۲: ۴۴۴/۳) عباراتی مشابه یافت می‌شود.

- عاجز از رساندن نفع و ضرر: دیگر ویژگی مشترک عباد را ناتوانی در رساندن نفع و ضرر بیان نموده‌اند. به طور مثال در روح المعانی به نقل از اخفش آمده است: عِبَادُ أُمَّتِكُمْ أَي مِمَّا تَلَهُ لَكُمْ مِنْ حَيْثُ إِنَّهَا...عَاجِزَةٌ عَنِ النَّفْعِ وَالضَّرِّ كَمَا قَالَ الْأَخْفَشُ (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۳۴/۵) و عباراتی از این قبیل در سایر تفاسیر (ابوالسعود، بی‌تا: ۳۰۶/۳ و جزایری، ۱۴۱۶: ۲۷۶/۲).

- زائل شدن آثار حیات با مرگ: طرح این ویژگی از سوی گروهی است که مصداق من دون الله را قبوریین و اموات از اولیاء و صالحین می‌دانند. به اعتقاد آنان، وجه مثلثیت عباد در این آیه به جهت زوال آثار حیات پس از مرگ است. همان گونه که در اسماء الحسنی آمده است: عِبَادُ أُمَّتِكُمْ يَمُوتُونَ كَمَا تَمُوتُونَ وَ تَفْنَى أَوْصَافَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ يَرْجِعُونَ (الرضوانی، ۱۴۲۶: ۳۴/۳) به طور خاص به یکی از این آثار تاکید شده که عدم توانایی در شنیدن دعای داعی است. هذه المعبودات لا تسمع دعاء من دعاها (السعيدان، بی‌تا: ۳۸)

- نداشتن ابزار لازم و ناتوانی بر استجاب: یکی دیگر از ویژگی‌هایی که سبب مثلثیت است، نداشتن ابزار لازم برای استجاب می‌باشد؛ بنابراین در اجابت دعای عبادت کنندگان ناتوان هستند. هذه المعبودات لا تستجيب لانتفاء صفات الإلهية اللازمة للإجابة (الرضوانی، ۱۴۲۶: ۳۴/۳) این موضوع در آیه نیز با عبارت فادعوهم فالیستجیبوا لكم (اعراف، ۱۹۴) بیان شده است. آن‌ها را با خواندن خود بیازمایید آیا مورد اجابت واقع می‌شوید؟ امر در این عبارت، امری تعجیزی است یعنی لا يمكن أن يجيبوا. در سوره فاطر نیز می‌فرماید: وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ (فاطر، ۱۴) (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۴۸/۵). هذه المعبودات لا تسمع دعاء من دعاها، ولو فرض أنها تسمع فإنها لا تقدر على إجابتها این معبودات صدای کسی که آن‌ها را می‌خوانند نمی‌شنوند. حتی اگر هم بشنوند توان بر اجابت ندارند (السعيدان، بی‌تا: ۳۸). شما را استجاب



بازکاوی دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت پیرامون مصداق‌یابی «من دون الله» ... ۲۰۷

نخواهند نمود چرا که آنها جماد هستند و حیاتی ندارند. أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْتَاطُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا (اعراف، ۱۹۵) آنها فاقد همه این اعضا و فاقد آثار قدرت و حیات هستند (جزایری، ۱۴۱۶: ۲/۲۷۶).

(ب) استعمال عباد در معنای غیرحقیقی

بنابر دیدگاه دوم مراد جدی از به کاربردن «عباد امثالکم» در این آیه متفاوت از مراد استعمالی آن است و مقصود اصلی قرآن کریم از بیان مثلثیت و تشابه بین جمادات و انسان، عبد بودن آنها نیست؛ بلکه این عبارت در مقام استهزاء و یا در جهت موافقت با اعتقاد مشرکان به عاقل و نافع و ضار بودن معبودان شان مطرح شده است:

- استهزاء: خداوند در این آیه از سوره مبارک اعراف، جمادات را به عباد وصف می‌کند. یکی از دلایل این وصف، مقام استهزاء است. به عبارت دیگر قرآن کریم مشرکین را در معرض استهزاء قرار داده و از این طریق، به تحریک اندیشه و خردورزی آنان پرداخته است؛ اینکه مشرکین معبودان دروغین را زنده و صاحب عقل و شعور بدانند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۳/۱۵)، دور از باور و پذیرش معقول است و به فرض که چنین باشد نهایتاً آنان مثل شما خواهند بود و فضل و برتری بر شما نخواهند داشت (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵/۲۴۸ و زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۸۹/۲) فلم قبلتموها آلهة لکم و أربابا؟ (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۳/۳۶۲) پس چگونه خودتان را بنده آنها قرار می‌دهید و آنها را در مقام الوهیت و ربوبیت می‌پذیرید؟! این استهزا نیست؟

- موافق اعتقاد مشرکین: توجیه دیگری که مفسرین در وصف جماد به عبد آورده‌اند بدین صورت است که مشرکین بت‌های خود را در هیئت و صورت انسان تراشیدند (مظهری، ۱۴۱۲: ۳/۴۴۴ و آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۳۴/۵) و بر این اعتقاد بودند که مصداق من دون الله قادر بر رساندن نفع و ضرر هستند پس اقتضا می‌کند که دارای قوای عقل و فهم نیز باشند؛ أن المشرکین لما ادعوا أنها تضر و تنفع، وجب أن یعتقدوا فیها کونها عاقله فاهمه (فخررازی،

۱۴۲۰: ۴۳/۱۵). نیشابوری در تفسیر غرائب القرآن شاخصه ویژه بنده و عبد را عقل وی می‌داند و بر اساس این دیدگاه بیان می‌کند که عبارت «عباد امثالکم» بر پایه اعتقاد مشرکین به حضور مصادیق من دون الله در حیظه عقلاء می‌باشد. بعد تسلیم اختصاص العباد بالعقلاء بأن ذلک ورد علی معتقدم آنها عقلاء (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۳/۳۶۲). در این شرایط قرآن کریم در صدد است که با مشرکین به زبان خودشان و موافق با اعتقادشان گفتگو کند. به عبارتی از اعتقاد و باورهای خودشان، علیه خودشان بهره ببرد. بر همین اساس در ادامه بیان می‌کند فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ و نمی‌گوید: فادعوهن فليستجبن لكم. هم چنین به جای التی، الذین به کار می‌برد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۳/۱۵ و ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵/۲۴۸) و در پایان خطاب به مشرکین می‌فرماید: اگر در فرض محال نیز این ادعاهای باطل اثبات شود، نهایتاً آنها بندگانی هم چون خود شما هستند. فلا يستحقون عبادتکم كما لا يستحق بعضکم عبادة بعض (مظهری، ۱۴۱۲: ۳/۴۴۴ و آلوسی، ۱۴۱۵، ۵/۱۳۴) آنها مستحق این عبادت نیستند همان طور که شما از بین خودتان کسی را شایسته و لایق عبادت نمی‌دانید.

## ۲. تحلیل و بررسی مشروعیت دعاء غیر الله با تاکید بر معنای دعاء

در آیه شریفه، ترکیب دعا با من دون الله در عبارت «تدعون من دون الله» مورد نهی قرار گرفته است. با تحلیل گفتار تفسیرگران کلام الهی در تحلیل معنایی دعا که بنا بر جمع شکل ۲ و ۳ و از تحلیل مضامین دعا و من دون الله به دست آمد، دو معنای کلی عبادت و مسألت مستفاد گردید؛ بر این اساس مشروعیت یا عدم مشروعیت دعاء من دون الله با تکیه بر دو معنای به دست آمده از «دعاء»، به شرح زیر تحلیل می‌گردد.

### الف) دعاء در معنای عبادت

چنانچه معنای عبادت در دعا لحاظ شود - هم چنان که در برخی کاربردهای قرآنی دعا نظیر آیه وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

داخِرین (غافر-۶۰)، این معنا با جانشینی عبادت در آیه شریفه حاصل می‌آید - در این آیه خداوند متعال توحید در عبادت به معنای نهی از عبادت دیگران به طور مطلق را بیان نموده است.

این معنا مورد وفاق همه فرق اسلامی است و در اندیشه اسلامی، عبادت و بندگی در انحصار ذات احدیت است و هیچکس به هیچ نحو اعم از استقلالی یا بالتبع شایسته عبادت نیست؛ در این تحلیل، اگر مدعو غیر از خداوند متعال با هر عنوان و مصداقی اعم از اوئان و اصنام، ملائکه یا افراد بشر باشد، داعی مشرک است و در شرک او هیچ شکی نیست. چرا که وی برای غیر خدا، مقام الوهیت و ربوبیت قائل شده است.

#### ب) دعاء در معنای مسألت

احتمال دیگر در مراد الهی، پذیرش قسم دوم معنای دعاء به شرح «درخواست و مسألت» است. برخی مفسران این احتمال را با تعبیر مسألت و درخواست از غیر خدا به طور مطلق یا درخواست به جهت جلب نفع و دفع ضرر مطرح نموده‌اند. در تحلیل این قسم، دو فرض با استناد به منابع اهل سنت مستفاد می‌گردد؛

- نخست این که در این احتمال تفسیری درخواست و طلب، مبتنی بر اعتقاد به الوهیت و ربوبیت نبوده و تنها طلب و مساعدتی با اعتقاد به وحدانیت پروردگار در اثربخشی و وسیله بودن دیگر اسباب و مسببات مورد نظر باشد. این نوع از دعاء بنا به تصریح کلام پروردگار مشروع است؛ فرمان کلی یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله (مائده-۳۵) مؤیدی بر این جواز بوده و درخواست پیروان حضرت موسی از ایشان در واسطه‌گری به درگاه الهی جهت نزول برکات الهی نمونه‌ای از آن است: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقَلْهَا» (بقره-۶۱)

- دوم آن که این درخواست و طلب از خداوند با اعتقاد به الوهیت و ربوبیت او همراه باشد؛ هم چنان که در قرآن کریم مسألت و درخواست حضرت زکریا با اعتقاد به

ربوبیت الهی مطرح شده و این نبی الهی، فرزند را از رب خویش درخواست می‌نماید (آل عمران-۳۸). این نوع از دعاء که مبتنی بر اعتقاد به ربوبیت است نوعی عبادت محسوب می‌شود و چون دسته نخست به اتفاق آراء عالمان اسلامی در غیر از خدا منهی است و به حکم کفر و شرک، مشروعیت ندارد.

- فرض سوم در این احتمال آن است که اعتقاد به الوهیت مدعو و تحقق عنوان شرک و کفر برای داعی، نه از باور و اندیشه داعی، بلکه از رفتار وی مشخص می‌شود؛ با این توضیح که اگر دعا و مسئلت، به مصادیقی چون دعای مردگان تعلق بگیرد، فی نفسه مشمول قاعده نقض توحید و انتساب به شرک می‌شود.

از بین همه احتمالات تفسیری مطرح شده، تنها این فرض محل اختلاف آراء است و اندک شماری از علمای اسلامی استعانت به اولیا و صالحان را تحت عنوان کلی «دعای من دون الله» باطل می‌دانند؛ در ادامه دلایل بطلان این ادعا بیان می‌شود:

- در بیان بطلان این ادعا نخست، باید گفت که باور به الوهیت مدعو مرده، صرف این که اوصاف خدایی از علم و سمع برایش متصور باشد بی‌دلیل و مخالف رأی مفسران و خارج از احتمالات مطرح تفسیری است.

- دلیل دیگر این است که تحقق شرک داعی یا با برخورداری از شاخصه عبادت همراه است که در مشرکین مکه محقق بود و قرآن کریم بر عبادت آن‌ها تصریح می‌نماید یا بر اعتقاد بر الوهیت مبتنی است؛ چنان چه پروردگار متعال عنوان «آلهه» را برای مدعوان مشرکین ذکر نموده است.

- دلیل دیگر بر عدم توسعه مصادیق من دون الله بر اموات و مردگان، صرف نظر از فقدان ملاک و شاخصه محوری عبودیت و الوهیت که بیان شد، آیات بعدی سوره مبارکه اعراف است که در سیاق توبیخ، بت پرستی مشرکان را مذمت می‌نماید: **اللَّهُمَّ ارْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَّهُمْ أَيْدٍ يَبْتَطِشُونَ بِهَا أَمْ لَّهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَّهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا** (اعراف-۱۹۵).

تعمیم صفات سلبی مشرکان به اموات، مستلزم ارائه ادله کافی مبنی بر نابودی کلیه آثار حیاتی انسان در عالم برزخ است به گونه‌ای که آدمی پس از مرگ، از حیات مادی به مرحله‌ای پایین‌تر در مرحله جماد سقوط نماید و چون اصنام و اوئان فاقد هرگونه ادراکی باشد، تا جایی که اثبات این صفات به مثابه اثبات صفات الهی برای مرده و مصداق شرک گردد. این در حالی است که ادله برزخ، بر ارتقای سطح حیات انسان در عالم برزخ نسبت به عالم دنیا حکایت می‌کند.

### نتیجه

در نگاه ظاهری به آیه ۱۹۴ سوره اعراف، مسلمانان از خواندن و دعاء غیر از خدا، به طور مطلق نهی شده‌اند؛ همین برداشت ظاهری سبب شده که وهابیت هرگونه درخواست از غیر خدا، اعم از استعانت، استغاثه و توسل را نامشروع جلوه داده و حکم به تکفیر و شرک و اباحه جان و مال مسلمین نموده‌اند. این پژوهش به دنبال دریافت مراد اصلی خداوند، دیدگاه مفسرین کلامی اهل سنت در «مصداق یابی من دون الله» را با روش تحلیل محتوا بررسی نموده است. پس از جمع‌آوری آراء مفسرین کلامی ذیل آیه، این دیدگاه‌ها در سه مقوله معناشناسی دعاء، مصداق یابی من دون الله و وجه مثلثیت مصادیق من دون الله به عباد دسته‌بندی شد. معناشناسی دعاء در دو مضمون اصلی شامل دعاء در معنای خواندن به قصد عبادت و دعاء در معنای خواندن به قصد مسألت و درخواست، طبقه‌بندی شد. در مصداق یابی من دون الله، مفسران نظرات خود را ذیل سه مضمون اصلی بیان نموده‌اند. گروهی همه مخلوقات اعم از انسان و غیر انسان را مصداق این عبارت می‌دانند؛ گروهی افرادی از غیر بشر از جمله اصنام اوئان و گروه سوم تنها افراد بشر شامل اموات و اهل قبور از جمله انبیاء و صالحین را به عنوان مصداق بیان کرده‌اند. و نهایتاً در بیان وجه مثلثیت مصادیق من دون الله به عباد، دو مضمون اصلی و ۹ مضمون فرعی استخراج گردید. دعاء در این فراز از آیه در دو وجه معنایی بررسی شده است: یک در معنای حقیقی خود

که بنابراین وجه مثلثیت به جهت مملوک، مسخر، مذلل، مخلوق و عاجز بودن مصادیق از رساندن نفع و ضرر است و یا به جهت زائل شدن آثار حیات با مرگ و نداشتن ابزار لازم و ناتوانی در استجابات می‌باشد. دو در معنای غیرحقیقی که به جهت استهزاء مشرکین و یا موافقت با اعتقاد آنها به کار رفته است.

نتیجه نهایی این است که چنانچه معنای عبادت در دعاء لحاظ شود، اگر مدعو غیر از خداوند متعال باشد، طبق نظر مورد وفاق همه فرق اسلامی، داعی مشرک است و در شرک او شکی نیست. اما در پذیرش معنای مسئلت و درخواست تنها در صورتی دعاء غیر، منتهی به شرک است که با اعتقاد به الوهیت و ربوبیت مدعو همراه باشد.

\*\*\*\*\*

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابراهیم پور، مرتضی، (۱۳۹۵)، «بررسی دیدگاه وهابیت نسبت به آیه «ان الذین تدعون من دون الله عباد امثالکم»»، سراج منیر، شماره ۲۲، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۹۹ تا ۱۲۰.
۴. ابن اسماعیل، کمال بن مختار، (بی تا)، احذر المخالفه فتهلک، بی جا: بی نا.
۵. ابن جزی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶)، التسهیل لعلوم التنزیل، چاپ اول، بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم.
۶. ابن عبدالوهاب، سلیمان بن عبد الله بن محمد، (۱۴۲۳)، تیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید الذی هو حق الله علی العبید، چاپ اول، بیروت: المکتب الاسلامی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، (۱۴۱۴)، لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دار صادر.
۸. ابو حیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰)، البحر المحیط فی التفسیر، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

بازکاو دیدگاه مفسران کلامی اهل سنت پیرامون مصداق یابی «من دون الله» ... ۲۱۳

۹. ابوالسعود، محمد بن محمد، (بی تا)، ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. بخاری، عبدالعزیز، (۱۴۱۸)، کشف الاسرار، (به کوشش عبدالله محمود محمد عمر)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. الخضیر، علی بن خضیر، (بی تا)، التوضیح والتتمات علی کشف الشبهات، ریاض: مکتبه الرقیم.
۱۴. جزایری، ابوبکر جابر، (۱۴۱۶)، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، چاپ اول، مدینه: مکتبه العلوم و الحکم.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
۱۶. الرضوانی، محمود بن عبدالرزاق، (۱۴۲۶)، اسماء الله الحسنی، قاهره: مکتبه سلسبیل.
۱۷. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۸. الزهرانی، یحیی بن موسی، (بی تا)، المولد النبوی، بی جا: بی نا.
۱۹. السعیدان، ولید بن راشد، (بی تا)، القول المفید فی شرح قاعده التوحید، بی جا: بی نا.
۲۰. سلیمی، هادی؛ حاجی اسماعیلی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، «نقد دیدگاه وهابیت پیرامون مسئله توسل از سوی اهل سنت بر پایه حدیث استسقاء»، مجله اندیشه نوین دینی، شماره ۴۷، دانشگاه معارف اسلامی قم، ۱۰۵ تا ۱۱۸.
۲۱. الشحود، علی بن نایف، (بی تا)، المفصل فی فقه الدعوه الی الله، بی جا: بی نا.
۲۲. الصعیدی، عبدالفتاح، حسین یوسف موسی، (۱۴۱۰)، الافصاح فی فقه اللغه، چاپ چهارم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۳. الصلابی، علی محمد، (بی تا)، الوسطیة فی القرآن الکریم، بیروت: دارالمعرفه.

۲۴. الصنعانی، محمد بن اسماعیل، محمد بن علی الشوکانی، (۱۴۲۴)، تطهیر الاعتقاد عن ادران الالحاد ویلیه شرح الصدور فی تحریم رفع القبور، چاپ اول، ریاض: مطبعه سفیر.
۲۵. عبدالملکی، محسن، (۱۳۹۲)، «بررسی دیدگاه وهابیان درباره توسل سلف به پیامبر پس از حیات»، مجله سراج منیر، شماره ۹، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۲۹ تا ۱۵۰.
۲۶. العسکری، ابوهلال الحسن بن عبدالله، (بی تا)، الفروق فی اللغة، قاهره: دارالعلم والثقافه.
۲۷. العروسی، أبی عبد الرحمن جیلان بن خضر، (۱۴۱۰)، الدعاء ومنزلته من العقیده الإسلامیة، مدینه: الجامعۃ الإسلامیة.
۲۸. العلوان، سلیمان بن ناصر بن عبدالله، (۱۴۱۳)، القول الرشید فی اهم انواع التوحید، بی جا: بی نا.
۲۹. غزالی، محمد، (۱۴۰۵)، قواعد العقائد، (به کوشش موسی محمد علی)، بیروت: عالم الکتب.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. الفقیه، محمد بن حسین بن سلیمان بن ابراهیم، (۱۴۲۲)، الكشف المبدی لثمویه أبی الحسن السُّبکی، چاپ اول، ریاض: دار الفضیلة للنشر والتوزیع.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد، (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قاهره: دارالمعارف.
۳۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵)، قاموس المحيط، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۴. کمالی، علی اصغر، (۱۳۹۵)، «بررسی و نقد استدلال وهابیت به آیه ۷۳ سوره حج در نفی سبیل»، سراج منیر، شماره ۲۱، دانشگاه علامه طباطبایی، ۳۱ تا ۴۹.
۳۵. گرامرودی، سید علی، (۱۳۸۴)، ترجمه قرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات قدیانی.
۳۶. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت: دارالمکتبه العلمیه.
۳۷. مظهری، محمد ثناء الله، (۱۴۱۲)، التفسیر المظهری، چاپ اول، پاکستان: مکتبه رشدیة.
۳۸. نسفی، عبدالله بن احمد، (۱۴۱۶)، مدارک التنزیل و حقایق التاویل، چاپ اول، بیروت: دار النفاثس.
۳۹. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، (۱۴۱۶)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۰. ولید بن راشد بن سعیدان، (بی تا)، اتحاف اهل الالباب، بی جا: بی نا.
۴۱. هواری، هود بن محکم، (۱۴۲۶)، تفسیر کتاب الله العزیز، چاپ اول، الجزایر: دارالبصائر.



جدول ۱- معاشناسی دعاء

مقوله	مضمون اصلی	مضمون فرعی	شاهد	فراوانی
معاشناسی دعاء	خواندن به قصد عبادت	عبادت	تدعون بمعنى تعبدون لأنَّ الدعاء هو العبادۃ. فسمى الله تعالى دعاءهم لهم عبادۃ. إنَّ الدعاء هو العبادۃ، و الدعاء مخَّ العبادۃ	۶
		عبادت و تسمیه یا اعتقاد به الوهیت	الدعاء إما بمعنى العبادۃ تسمية لها بجزئها، أو بمعنى التسمية كدعوته زيدا ... أى إن الذين تعبدونهم من دون الله أو تسمونهم آلهة من دونه سبحانه	۸
		عبادت یا انتظار و امید به ثواب و عقاب	قال ابن عباس: فاعبدوهم هل يثيبونكم أو يجازونكم	۱
	خواندن به قصد مسالت و درخواست	مسالت و درخواست	إنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ... الْأَغْلَبُ فِيهِ دَعَاءُ الْمَسْأَلَةِ لِأَنَّهُ يَرَدُّ بِه الدَّعَاءُ وَالطَّلِبُ وَالسُّؤَالُ	۲
		درخواست یا هدف طلب منفعت و کشف ضرر	معنى هذا الدعاء طلب المنافع و كشف المضار من جهتهم	۴

جدول ۲- مصادیق من دون الله

مقوله	مضمون اصلی	مضمون فرعی	شاهد	فراوانی
مصادیق من دون الله	همه‌ی مخلوقات ما سوى الله	شامل افرادی از بشر (حی و میت) یا ملک و جن یا جمادات	هذا الوصف يدخل فيه كل من يعبد وكل ما يعبد من دون الله، سواء أكانوا أشخاصاً من البشر أحياء أو أمواتاً، أو كانوا من الجن أو الملائكة، أو كانوا شجرأ أو حجراً أو شمساً أو نجماً أو كوكباً من الكواكب.	۳
		اصنام و اوتان	إنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَعْنِي الْأَصْنَامَ، أَى إنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَهُمْ مِنْ دُونِهِ تَعَالَى مِنَ الْأَصْنَامِ . إنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَقُولُهُ لِلْمُشْرِكِينَ يَعْنِي أَوْثَانَهُمْ. مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الْأَوْثَانِ	۸
	افرادى از بين اموات شامل انبياء و صالحين	ملائكه	و قال مقاتل: المراد طائفة من العرب من خزاعة كانت تعبد الملائكة	۳
	افرادى از بشر		عبادة القبور واعتقاد أن الأولياء الموتى يقضون الحاجات وكذلك دعاء الموتى من الأنبياء و الصالحين أو غيرهم للشفاعة أو للتخليص من الشدائد - فهذه الآيات الكريمة تثبت أن المشركين الأولين إنما كانوا كالمقبريين اليوم يدعون الأولياء و الصالحين ويتخذون منهم آلهة يعبدونها بالدعاء	۱۲

جدول ۳- وجه مثلثیت مصادیق من دون الله به عباد

مقوله	مضمون اصلی	مضمون فرعی	شاهد	فراوانی
وجه مثلثیت مصادیق من دون الله به عباد	استعمال عباد در معنای حقیقی	مملوک	عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ أَى مِمَّا لَكُمْ لَكُمْ مِنْ حَيْثُ إِنَّهَا مَمْلُوكَةٌ لِلَّهِ تَعَالَى - اللَّهُ مَالِكُهُمْ كَمَا أَنْتُمْ مَمْلُوكُونَ لِلَّهِ - عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ أَى مِمَّا لَكُمْ لَكُمْ لَكِنْ لَا مِنْ كُلِّ وَجْهٍ بَلْ مِنْ حَيْثُ إِنَّهَا مَمْلُوكَةٌ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ	۹
		مسخر	أَمْثَالُكُمْ فِي التَّسْخِيرِ أَى أَنَّهُمْ مَسْخَرُونَ - عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ أَى مَسْخَرَةٌ لِمَا أُرِيدُ مِنْهُمْ	۵
		مذلل	أَمْثَالُكُمْ أَى أَنَّهُمْ مَذَلَّلُونَ لِمَا أُرِيدُ مِنْهُمْ	۲
		مخلوق	عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ أَى مَخْلُوقُونَ	۵
		عاجز از رساندن نفع و ضرر	عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ أَى مِمَّا لَكُمْ لَكُمْ مِنْ حَيْثُ إِنَّهَا عَاجِزَةٌ عَنِ النَّفْعِ وَالضَّرْرِ - هَذِهِ آيَةٌ قَاطِعَةٌ وَجَائِزَةٌ بِأَنَّ الْمَيْتَ لَا يَنْفَعُ وَلَا يَضُرُّ	۱۰
		زائل شدن آثار حیات با مرگ	عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ يَمُوتُونَ كَمَا تَمُوتُونَ وَتَفْنِي أَوْصَافُهُمْ وَإِلَى اللَّهِ يَرْجِعُونَ - التَّصْرِيحُ بِأَنَّ هَذِهِ الْمَعْبُودَاتِ لَا تَسْمَعُ دَعَاءَ مَنْ دَعَاها	۷
		نداشتن ابزار لازم و ناتوانی در استجاب	وهذه المعبودات لا تستجيب لانتهاء صفات الإلوهية اللازمة للإجابة - ولو فرض أنها تسمع فإنها لا تقدر على إجابته	۸
		استهزاء	ان هذا اللغو أورد في معرض الاستهزاء بهم أَى قَضَارَى أَمْرَهُمْ أَنْ يَكُونُوا أَحْيَاءَ عَقْلَاءَ، فَإِنْ ثَبِتَ ذَلِكَ فَهِيَ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ وَ لَا فَضْلَ لَهُمْ عَلَيْكُمْ	۴
		موافق اعتقاد مشرکین	أَنَّ الْمَشْرِكِينَ لِمَا ادَّعَوْا أَنَّهَا تَضُرُّ وَ تَنْفَعُ، وَجِبَ أَنْ يَعْتَقِدُوا فِيهَا كَوْنَهَا عَاقِلَةً فَاهْمَةٌ فَلَا جَرْمَ وَرَدَتْ هَذِهِ الْأَلْفَافُ عَلَى وَفْقِ مَعْتَقَدَاتِهِمْ	۵